

علائم ظهور امام زمان (ع)

ظهور حضرت حجت (ع) از اموری است که در اسلام نسبت به آنها به شدت تأکید شده و در حتمیت آن ذره ای شک و شبهه وجود ندارد. پیش از این گفتیم که در آیاتی نظیر آیه 55 سوره نور ، خداوند متعال به مؤمنان وعده داده است که فرمانروای زمین گردند و بر آن سیطره یابند.

صحبت کردن از حضرت مهدی (ع) و نشانه های ظهور ایشان در واقع صحبت کردن از حوادثی است که بناست در آینده اتفاق بیفتد و لذا بجاست که از خود بپرسیم: اگر در مورد احادیث نقل شده در این زمینه بررسی اسناد صورت گرفت و مطمئن شدیم که آنها از معصوم (ع) صادر شده است ، آیا می توان مطمئن بود که حتماً همه آن حوادث آن گونه که در روایات شریف ما آمده اند وقوع یابند؟ پاسخ به این پرسش در کتب عقیدتی و فلسفی تحت عنوان «بداء» داده می شود که طی این بخش از مطالب به آن می پردازیم.

«بداء» در لغت به معنای ظهور و روشن شدن پس از مخفی بودن چیزی است و اصطلاحاً به روشن شدن چیزی پس از مخفی بودن از مردم اطلاق می شود؛ بدین معنا که خداوند متعال بنا بر مصلحتی ، مسئله ای را از زبان پیامبر یا ولی ای از اولیای خویش به گونه ای تبیین می کند و سپس در مقام عمل و ظهور و بروز ، غیر آن را به مردم نشان می دهد. در قرآن آمده است:

خداوند هر چه را بخواهد محو یا اثبات می کند در حالی که ام الكتاب نزد اوست و خود می داند عاقبت هر چیزی چیست.1

و در آیه ای دیگر: و بدالهم سیئات ما کسبوا.2

بدی هایی را خود کسب کرده بودند و برای آنها مخفی بود برایشان نمایان شد.

یا: ثم بدالهم من بعد ما رأوا الآيات.3

پس از آنکه نشانه ها را دیدند حقیقت امر بر آنها روشن شد.

این ظهور پس از خفا ، تنها برای انسان رخ می دهد و در مورد

خداوند متعال ابداً صدق نمی کند وگرنه لازمه اش این است که خداوند نسبت به آن موضوع جهل داشته باشد که این امر محالی است. خداوند ، چنانکه قرآن کریم می فرماید به همه چیز آگاه و

دانا است 4 و نسبت به همه چیز در همه زمان ها و مکان ها چه حاضر باشند و چه غایب ، چه موجود باشند و چه فانی و چه در آینده به وجود بیایند ، علم حضوری دارد. قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

هیچ چیزی در آسمان و زمین از نظر خداوند متعال مخفی نمی شود. 5
از همین روست که مسئله بداء و ظاهر کردن آن امر مخفی به خداوند نسبت داده می شود:

و بدالهم من الله مالم یكونوا یحتسبون. 6

خداوند آنچه را گمان نمی کردند ، برای آنها ظاهر کرد.

براساس آیه: خداوند چیزی را که از آن مردمی است دگرگون نکند تا آن مردم خود دگرگون شوند. 7
و با استفاده از دیگر آیات و روایات می توان چنین برداشت کرد که برخی اعمال حسنه نظیر: صدقه ، احسان به دیگران ، صلة رحم ، نیکی به پدر و مادر ، استغفار و توبه ، شکر نعمت و ادای حق آن و... سرنوشت شخص را تغییر داده و رزق و عمر و برکت زندگی اش را افزایش می دهد ، همان طور که اعمال بد و ناشایست اثر عکس آن را بر زندگی شخص می گذارد.

پیش از شرح این عبارت که بداء در حقیقت ظاهر شدن چیزی است که از ناحیه خداوند متعال برای مردم مخفی و برای خودش مشخص بود ، لازم است یادآور شویم که خداوند متعال بنا بر آیات قرآن دو لوح دارد:

الف (لوح محفوظ

لوحی که آنچه در آن نوشته می شود؛ پاک نشده و مقدرات آن تغییر نمی یابند؛ چون مطابق با علم الهی است:

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجیدٌ فِی لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ. 8

بلکه آن قرآن مجیدی است که در لوح محفوظ ثبت گردیده است.

ب (لوح محو و اثبات

بنا بر شرایط و سنتی از سنت های الهی ، سرنوشت شخص یا جریانی به شکلی خاص می شود ، با از بین رفتن آن سنت ها یا مطرح شدن سنت های جدید سرنوشت آن شخص یا آن جریان تحت الشعاع سنت های جدید قرار می گیرد. به عنوان مثال بناست که شخص در سن 20 سالگی فوت کند اما به واسطه صلة رحم یا صدقه ای که می دهد ، 30 سال به عمرش اضافه می شود و تا 50 سالگی زنده می ماند یا به عکس ، آن شخص بناست 50 سال عمر کند به واسطه گناه کبیره ای خاص ، 30 سال از عمرش کاسته می شود در همان 20 سالگی می میرد. که البته خداوند متعال از اول می دانست که بناست اولی 50 سال و دومی 20 سال عمر کند ولی برای روشن شدن این سنت های الهی مطلب به این شکل از زبان پیامبران یا اولیای الهی (ع) بیان می شود.

در قرآن کریم هم آمده است:

یَمْحُوا اللّٰهُ مَا یَشَاءُ وَ یُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ اَمُّ الْکِتَابِ. 9

یا این آیه:

آنگاه مدتی را [برای شما عمر] مقرر داشت و اجل حتمی نزد اوست. 10

با توجه به این دو لوح و مطالبی که تا به حال به آنها پرداختیم ، این پرسش به ذهن می رسد که: آیا ظهور حضرت مهدی (ع) و نشانه هایی که برای آن بیان شده است ، در لوح محفوظ اند یا محو و اثبات. به عبارت دیگر آیا ممکن است اصلاً مسئله ای به نام ظهور ایشان تا آخر عمر بشریت و

هستی اتفاق نیفتد یا ظهور بدون تحقق نشانه‌ها رخ دهد یا همه نشانه‌ها باید رخ دهند؟ در پاسخ به این پرسش باید نشانه‌های ظهور را به دو دسته تقسیم کنیم:

1. امور و علایم مشروط

2. امور و علایم حتمی. آنگونه که امام باقر (ع) امور را به موقوفه و حتمیه 11 و امام صادق (ع) به حتمی 12 و غیر حتمی تقسیم کرده‌اند. مسئله‌ی بدهاء هم در چهار زمینه با موضوع ظهور حضرت مهدی (ع) ارتباط می‌یابد:

1. نشانه‌های مشروط و غیر حتمی ظهور

جز نشانه‌هایی که صراحتاً در احادیث به حتمی بودن آنها اشاره شده است، بقیه نشانه‌های ظهور همگی از امور موقوفه به شمار می‌روند، چنانکه بزرگانی مانند شیخ مفید، شیخ صدوق و شیخ طوسی بدان تصریح کرده‌اند. بدین معنا که به جز نشانه‌های حتمی ظهور بقیه آنها بنا بر مشیت و اراده الهی ممکن است دچار تغییر و تبدیل، تقدّم یا تأخّر شوند. به عبارت دیگر آنها از جمله امور لوح محو و اثبات به حساب می‌آیند و ممکن است با تغییر و تبدیل در شرایط آنها و عوض شدن علل رخ دادن آنها به گونه دیگری پدید آیند یا اصلاً رخ ندهند. البته بسیاری از رویدادهایی که در احادیث ما به آنها اشاره شده است تا کنون اتفاق افتاده‌اند و دچار بدهاء در اصل تحقق خویش نشده‌اند. مثلاً اگر در حدیث به نزول بلائی (مشروط) اشاره شده باشد به واسطه توسل و استغفار مؤمنان و مسلمانان ممکن است در نزول آن تأخیر رخ دهد یا اصلاً چنین بلائی به جهت عظمت عمل صالح ایشان نازل نشود یا اینکه با برخی اعمال صالح یا ناصالح ظهور حضرت را دچار تعجیل یا تأخیر کنند.

شاید بتوان علت بیان چنین اخباری را این دانست که اگر مسئله به این شکل تبیین نمی‌شد، مؤمنان هم از احتمال حدوث آن حادثه باخبر نمی‌شدند و بدان مبتلا می‌گشتند اما پس از صدور حدیث از ناحیه معصوم (ع) و آگاه شدن مؤمنان و مسلمانان از آن، با دعا و توسل و استغفار از پدید آمدن چنان حادثه ناگواری ممانعت به عمل آورند یا سبب حدوث اتفاقی خوشایند شوند. البته فراموش نکنیم که عکس این مطلب هم کاملاً صادق است به این معنا که شخص معصوم (ع) با اعلام نزول بلا و علت آن، حجت را بر مردم تمام می‌کنند که شما با وجود آنکه می‌توانستید، آن بلا را از خویش دفع نکریدید یا فلان خیر را به سوی خویش جلب ننمودید و از همین روست که روایت شده است:

خداوند متعال، به چیزی مثل بدهاء عبادت نشده است. 13

2. علایم ظهور و امور حتمی

پنج مورد از نشانه‌های ظهور در بسیاری از روایات که از حدّ تواتر گذشته است؛ از جمله نشانه‌های حتمی ظهور برشمرده شده‌اند:

خروج سیّد خراسانی و یمانی، ندای آسمانی مبنی بر حقانیت حضرت مهدی (ع)، شهادت نفس زکیّه و فرو رفتن سپاهیان سفیانی در منطقه بدهاء (بیابان بین مدینه و مکه). 14

این نشانه‌های پنج گانه را احادیث از علایم حتمی شمرده و هیچ گونه احتمال بدایی در مورد تحقق آنها نداده‌اند و گرنه خلاف حتمی بودن آنها می‌شد. این نشانه‌ها شدیداً با مسئله ظهور ارتباط داشته و همگی مقارن ظهور رخ خواهند داد ان شاءالله. بزرگوارانی چون مرحوم آیت الله خویی در پاسخ به نویسنده کتاب سفیانی و علامات ظهور 15، غلامه سیّد جعفر مرتضی عاملی، در کتاب خویش و شیخ طوسی، در غیبت خویش 16 نسبت به این موضوع تصریح و اذعان کرده‌اند که:

هر چند بنا بر تغییر مصلحت ها با تغییر شروط اخباری که به حوادث آینده می پردازند ، ممکن است دچار تغییر و تبدیل شوند؛ جز آنکه روایت تصریح کرده باشد که وقوع آن جریان حتمی است که (با توجه به اعتماد ما به معصومین (ع)) ما هم یقین به حدوث آنها در آینده پیدا می کنیم و قاطعانه می گویم در آینده چنین خواهد شد. 17

اشکال اساسی که به این نظر گرفته می شود؛ متکی به حدیثی است که نعمانی در کتاب خویش آورده است که: ابوهاشم داوود بن قاسم جعفری گفته است: نزد امام جواد (ع) بودیم و صحبت از حتمی بودن آمدن سفیانی شد ، از آن حضرت پرسیدم: آیا در مورد امور حتمی هم بداء رخ می دهد؟ فرمودند: آری. گفتم: می ترسم در مورد خود حضرت مهدی (ع) بداء رخ دهد. حضرت فرمودند:

ظهور حضرت مهدی (ع) وعده الهی است و خداوند خلف وعده نمی کند. 18

عَلَّامَه مَجْلِسِي ، هم در بحارالانوار پس از نقل این حدیث این توضیح را اضافه کرده اند که:

شاید محتوم ، معانی مختلفی داشته باشد که با توجه به اختلاف در تعاریف ممکن است در مورد برخی از آنها بداء رخ بدهد. مضاف بر اینکه شاید منظور از بداء در مورد خصوصیات آن حادثه محتوم و حتمی باشد و نه اصل تحقق آن ، که مثلاً پیش از زوال حکومت بنی عباس سفیانی جنبش های خویش را آغاز می کند. 19

این فرضیه چندان قابل قبول نیست؛ زیرا در صورت پذیرفتن آن ، چه فرقی بین حتمی و غیر حتمی خواهد بود؟ مضاف بر اینکه روایت مورد بحث ما از حیث سند ، ضعیف است. 20 در ضمن نمی توان از آن همه حدیث و روایتی که به شدت بر حتمی بودن این پنج نشانه و امتناع احتمال رخ دادن بداء در آنها تأکید می کنند ، چشم پوشی کرد و به احادیث انگشت شماری از این دسته تمسک نمود؛ چون ممکن است در شرایط خاصی (به فرض قوت و اعتبار سندی آنها) معصوم (ع) مجبور شده باشند از روی تقيه ، چنین سخنی بگویند.

عبدالملك بن اعین گوید: به امام باقر (ع) در مورد حضرت مهدی (ع) گفتم: می ترسم که زود بیایند و سفیانی نباشد. حضرت فرمودند:

والله نه. سفیانی از حتمیاتی است که حتماً خواهد آمد. 21

امور یا موقوفه اند یا حتمیه که سفیانی از دسته حتمیاتی است که حتماً خواهد بود. 22
یا امام صادق (ع) فرمودند:

از حتمیاتی که پیش از قیام حضرت مهدی (ع) خواهند بود اینهاست: شورش سفیانی ، فرو رفتن در بیداء ، شهادت نفس زکیه و منادی که از آسمان ندا در دهد. 23

حمران بن اعین از امام باقر (ع) راجع به آیه:

ثمّ قضي اجلاً و اجلٌ مسمّی عنده؛ 24

می پرسد. حضرت می فرمایند:

دو اجل وجود دارد: محتوم و موقوف.

- محتوم چیست؟

- جز آن نخواهد شد.

- و موقوف؟

- مشیت الهی در رابطه آن جاری می شود.

- امیدوارم که سفیانی جزء موقوف ها باشد.

- والله که نه و از محتومات است. 25

3. بداء و قیام حضرت مهدی (ع)

ظهور حضرت حجت (ع) از اموري است که در اسلام نسبت به آنها به شدت تأکید شده و در حتمیت آن ذره اي شك و شبهه وجود ندارد. پیش از این گفتیم که در آیاتي نظیر آیه 55 سوره نور ، خداوند متعال به مؤمنان وعده داده است که فرمانرواي زمین گردند و بر آن سیطره یابند که چنین واقعه اي در تمام طول تاریخ تا کنون اتفاق نیفتاده است و از آنجا که « ان الله لا یخلف المعیاد » 26 و خداوند در وعده خویش تخلف نمی کند ، در آینده اي دور یا نزدیک حتماً چنین اتفاقي خواهد افتاد. ان شاء الله . علاوه بر اینکه در موارد بسیاری رسول مکرم اسلام (ص) و معصومین (ع) شدیداً تأکید نموده اند که:

حتي اگر از عمر هستي بيش از يك روز باقي نمانده باشد ، خداوند آن قدر این روز را طولاني مي کند که حضرت مهدي (ع) ظهور کرده و جهان را مملو از قسط و عدل گردانند. 27

4. تعیین زمان ظهور حضرت مهدي (ع)

بسیاري از روایات ، ما را از توقیت (مشخص کردن زمان ظهور) یا تعیین محدوده زمانی برای ظهور حضرت به شدت نهی کرده اند و شیعیان را امر کرده اند که هر که را چنین کرد تکذیب کنند و دروغ گو بشمارند؛ زیرا این مطلب در زمرة اسرار الهي است و کسی آن را نمی داند؛ امام صادق (ع) به محمدبن مسلم فرمودند:

محمد! اگر کسی وقتي از جانب ما براي ظهور حضرت مهدي (ع) نقل کرد ، از تکذیب کردن او نترس! چرا که ما براي احدي تعیین وقت نمی کنیم. 28

وقتي فضیل از امام باقر (ع) مي پرسد که آیا این مسئله وقت مشخص دارد؟ حضرت سه مرتبه مي فرمایند: «آنها که وقت تعیین مي کنند دروغ مي گویند». 29 یکی از یاران امام ششم (ع) به ایشان عرضه مي دارد: این مسئله اي که چشم انتظارش هستیم کي خواهد آمد؟ حضرت مي فرمایند: اي مهزم! آنها که وقت تعیین کنند دروغ مي گویند ، آنها که عجله کنند هلاک مي شوند و آنها که تسلیم امر خداوند باشند نجات مي یابند و به سوي ما باز مي گردند. 30

آنگونه که از احادیث برمي آید ، ظهور حضرت حجت (ص) از جمله اموري است که خداوند متعال آن را از مردم پنهان نموده است و هر زمان که خداوند تبارک و تعالی اراده کند و شرایط و علل فراهم و مناسب باشد؛ زمین را از برکات وجودي آن امام همام (ع) بهره مند خواهند نمود.

البته نهی از تعیین وقت ، شامل نشانه هاي حتمي ظهور نمی شود؛ چرا که خود معصومین (ع) در این موارد به فاصله زمانی میان حدوث آن نشانه حتمي و ظهور حضرت اشاره کرده اند که مثلاً از ابتدای شورش سفیانی تا قیام حضرت بیش از 9 ماه طول نخواهد کشید یا مثلاً 15 روز پس از شهادت نفس زکیه حضرت در مکه ظهور مي کنند. ولیکن دیگر نشانه ها حداکثر به این اشاره مي کنند که ظهور آن وجود مقدس نزدیک شده است و نه بیش از این. چنانکه دیدیم برخی از نشانه هاي ظهور قرن هاست که اتفاق افتاده اند و گذشته اند و هنوز ظهور رخ نداده است. که البته به جهت ایجاد امید در دل شیعیان مبني بر نزدیک شدن ظهور معصوم (ع) از آن به عنوان نشانه قیام حضرت صاحب (ع) یاد کرده اند.

ضمناً اگر بنا بود زمان ظهور مشخص شود و همگان بدانند که ایشان بناست چه زمانی قیام جهانی خویش را آغاز کنند؛ ستمگران و ظالمان تمام عده و عده خویش را برای آن روز مهیا و آماده مي کردند - که به خیال خام و واهی خود - آن نور الهي را خاموش کنند و نگذارند عدالت را در جهان گسترش دهند و مؤمنان و مستضعفانی هم که قرن ها با حدوث این حادثه عظیم و بزرگ فاصله

داشتند مبتلا به یأس و کسالت و خمودی می شدند حال آنکه قرن هاست بسیاری در انتظار آن یار غایب از نظر ، دیده ها را خون بار کرده و هر صبح و شام دست دعا به تعجیل در فرج ایشان برداشته اند و امید دارند که در زمرة یاران و یاوران ایشان باشند. مشخص نبودن زمان ظهور خواب از چشم های ستمگران ربوده و هر صبح و شام از این هراسناکند که شاید آن عزیز مقتدر امروز ظهور کند و پایه های حکومت شیطانی شان را درهم شکند.
به امید آنکه آن روز را ببینیم و از یاوران حضرتش باشیم. ان شاء الله.

پی نوشت ها :

1. سورة رعد (13) ، آية 39.
- 2 . سورة زمر (39) ، آية 48.
- 3 . سورة يوسف (12) ، آية 35.
- 4 . سورة نساء (4) ، آية 35.
- 5 . سورة آل عمران (3) ، آية 5.
- 6 . سورة زمر (39) ، آية 48.
- 7 . سورة رعد (13) ، آية 11.
- 8 . سورة بروج (85) ، آيات 21 و 22.
- 9 . سورة رعد (13) ، آية 39.
10. سورة انعام (6) ، آية 2.
11. نعماني ، محمد بن ابراهيم ، الغيبة ، ص204؛ مجلسي ، محمد باقر ، بحارالانوار ، ج52 ، ص249.
12. نعماني ، محمد بن ابراهيم ، همان ، ص202.
13. كليني ، اصول كافي ، ج 1 ، باب البدأ ، ح 1 و صدوق ، محمد بن علي بن حسين ، التوحيد ، باب 54 ، ج 2.
14. صدوق ، محمد بن علي بن حسين ، كمال الدين ، ج 2 ، ص650 ، طوسي ، محمد بن حسن ، الغيبة ص267 ، نعماني ، همان ، صص169 و 172؛ مجلسي ، محمد باقر ، همان؛ ج52 ، ص204 ، طبرسي ، فضل بن حسن ، اعلام الوري ، ص426؛ صافي گلپایگانی ، لطف الله ، منتخب الاثر ، صص439 و 455.
15. فقيه ، محمد ، السفیانی و علامات الظهور ، ص102.
16. عاملی ، جعفر مرتضی ، دراسته فی علامات الظهور ، ص60.
17. طوسي ، محمد بن حسن ، همان ، ص265.
18. نعماني ، محمد بن ابراهيم ، همان ، ص205 ، مجلسي ، محمد باقر ، همان ، ج52 ، ص250.
19. مجلسي ، محمد باقر ، همان ، ج52 ، ص251.
20. رك: فقيه ، محمد ، همان ، ص102.
21. نعماني ، محمد بن ابراهيم ، همان ، ص203؛ مجلسي ، محمد باقر ، همان ، ج52 ، ص249.
22. نعماني ، محمد بن ابراهيم ، همان ، ص204؛ مجلسي ، محمد باقر ، همان ، ج52 ، ص249.
23. نعماني ، محمد بن ابراهيم ، همان ، ص176 ، صافي گلپایگانی ، لطف الله ، همان ، ص455.
24. سورة انعام ، آية 2.
25. مجلسي ، محمد باقر ، همان ، ج52 ، ص249.
26. سورة آل عمران (3) ، آية 9.

27. رك: شيخ مفيد ، الارشاد ، ج 2 ، ص 340 ، طبرسي ، فضل بن حسن ، همان ، ص 401 ، مجلسي ، محمد باقر ، همان ، ج 51 ، ص 133.
28. نعماني ، محمد بن ابراهيم ، همان ، ص 195 ، طوسي ، محمد بن حسن ، همان ، ص 262؛ آل سيد حيدر ، مصطفى ، بشارة الاسلام ، ص 298 ، مجلسي ، محمد باقر ، همان ، ج 52 ، ص 104.
29. طوسي ، محمد بن حسن ، همان ، ص 262؛ مجلسي ، محمد باقر ، همان ، ج 52 ، ص 103؛ صافي گلپايگاني ، لطف الله ، همان ، ص 463.
30. نعماني ، محمد بن ابراهيم ، همان ، ص 198؛ طوسي ، محمد بن حسن ، همان ، ص 262؛ مجلسي ، محمد باقر ، همان ، ج 52 ، ص 104؛ آل سيد حيدر ، مصطفى ، همان ، ص 299؛ صافي گلپايگاني ، لطف الله ، همان ، ص 463.

منبع: ماهنامه موعود ، شماره 79